

صحیفه سجّادیه

و ترجمه‌های جدید به فارسی

علی‌رضا بهار دوست

همین پنجاه و چهار دعا است.

صحیفه سجّادیه هر چند در قالب دعا و نیایش و روزگار ستم و بیداد اموی - مروانی تنظیم شده، اما از جامع‌ترین و وثیق‌ترین آثار ماندگار و پایدار است. کتابی است به ظاهر دعا و به باطن هم دعا و هم منبع استناد در شناخت دین و هم متن مُتَقَن علمی، فلسفی، عرفانی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی. با توجه به همین غنای محتوایی این اثر است که فرهنگ‌نامه‌های موضوعی متعددی پیرامون آن تدوین و تنظیم شده است.

آموزه‌ها و مفاهیم والای صحیفه سجّادیه که در قالب دعا و مناجات ارائه شده از یک‌سو، و دستورات و سفارش‌های اکید پیشوایان شیعه، به‌ویژه امام صادق (ع) مبنی حفظ و پاس‌داشت این اثر برجسته از سوی دیگر، عالمان و دانش‌مندان شیعی را بر آن داشت تا هر یک به نوبه خود در راه این مسئولیت خطیر بکوشند. در این میان، مترجمان و اندیش‌مندان پارسی‌زبان نقشی بسیار مؤثر داشته‌اند. از زمان گردآوری و تدوین صحیفه سجّادیه تاکنون، ترجمه‌های متعددی به زبان پارسی از این اثر گران‌سنگ امام سجّاد (ع) به نگارش درآمده است. برخی از مهم‌ترین این ترجمه‌ها عبارت است از:

ترجمه مرحوم سیدعلی نقی فیض الاسلام اصفهانی؛

ترجمه شادروان جواد فاضل؛

ترجمه و شرح مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای؛

ترجمه مرحوم علامه ابوالحسن شعرانی؛

ترجمه مرحوم دکتر اسدالله مبشری؛

ترجمه دکتر محمد آیتی

و ترجمه دکتر علی شیروانی.

یکی از تازه‌ترین ترجمه‌های انتشار یافته از صحیفه سجّادیه ترجمه‌ای است روان و خوش‌خوان به قلم حجت الاسلام محمدتقی خلجی، که پیش‌تر از وی شرحی با عنوان اسرار خاموشان بر صحیفه سجّادیه نگاشته شده و توسط انتشارات پرتو خورشید منتشر گردیده است. البته این شرح ادامه‌دار است و تاکنون دو جلد از آن منتشر



صحیفه سجّادیه، ترجمه محمدتقی

خلجی، قم: انتشارات صحیفه خرد، ۱۳۸۶.

صحیفه سجّادیه که به «انجیل اهل بیت»، «زبور آل محمد» و «أخت القرآن» معروف است، مجموعه‌ای از دعاها و مناجات امام چهارم شیعیان، حضرت زین‌العابدین علی بن‌الحسین (علیه السلام) است. در گزارش‌ها آمده است که صحیفه کامله سجّادیه در اصل مجموعه‌ای از هفتاد و پنج (۷۵) دعا و نیایش بوده که امام سجّاد (ع) بر دو فرزندشان امام باقر (ع) و جناب زیدبن علی املاً فرموده‌اند. زیدبن علی نسخه‌ای که خود تهیه می‌کند و برای حفاظت به متوکل بن هارون - از اصحاب امام صادق (ع) - می‌سپارد. متوکل می‌گوید: «از من یازده دعا ساقط شده و من شصت و چهار دعا را روایت می‌کنم». وی نسخه‌ای را که در اختیار داشته به امام صادق (ع) عرضه می‌کند و با نسخه امام باقر (ع) مقابله می‌کند و هیچ تفاوتی میان آن‌ها نمی‌یابد.

چنان‌چه امروزه در صحیفه‌های موجود مشاهده می‌کنیم، در روایت محمدبن احمد بن مسلم مطهری تنها پنجاه و چهار دعا و نیایش موجود است. بنابراین، از اصل صحیفه، بیست و یک دعا افتاده است و در حال حاضر آن‌چه از صحیفه سجّادیه باقی مانده،

گردیده است.

محمدتقی خلجی در مقدمه ترجمه صحیفه سجّادیه درباره چگونگی آفرینش این اثر گران سنگ می نویسد:

«با بررسی و تأمل در صحیفه سجّادیه و ادبیات نیایشی آن، می توان به حقیقت و چگونگی دعا و نیز به زبان ساختار آن به خوبی پی برد و از این طریق شاخه‌ای تنومند به درخت معارف بشری افزود. هم‌چنین با تتبع تاریخی در مورد ادبیات و زبان صحیفه به نیکی می توان ویژگی‌های روزگار امام سجّاد(ع) و شرایط سخت حاکم بر جهان اسلام را دانست و پاسخ این پرسش اساسی را دریافت که چرا و چگونه صحیفه سجّادیه آفریده شد؟».

مترجم صحیفه سجّادیه در ادامه ضمن تأکید بر این واقعیت که برخی از مدعیان فضل و آگاهی به دعا آن چنان که باید توجه نمی کنند و با دعا سروکار چندانی ندارند و از «فرهنگ دعا» بی اطلاع اند و کسانی که توجه و سرو کاری دارند بیشتر تنها خواندنی است و برای قصد ثواب و طلب مغفرت و حاجت و درخواست شفای بیماری، بدون تأمل و شناخت و رازبایی و قرب و معرفتی و قبول تربیتی، در حالی که خدا خود در تبیین فلسفه دعا فرموده است: «لعل یرشدون» (باشد که راه یابند)، می نویسد: «چون چنین رجوعی یکسویه و بر لبه و به تعبیر قرآن، عَلَی حَرْفٍ بُوْدَه و هست، هنوز زبان دعا درست شناخته نیست. مقصود این نیست که دعاها به زبان عربی است و بیشتر مردم با این زبان بیگانه‌اند، بل که مقصود از این سخن زبان یا فرهنگ دعا شناخته نیست، این است که بسیاری از عربی‌دانان و شماری از فاضلان و عالمان نیز این زبان را چنان که باید نشناخته‌اند و با فرهنگ دعا، یعنی مجموعه معارف و مفاهیم و دانش‌های نهفته در آن بیگانه‌اند و آن آشنایی که باید، ندارند».

خلجی با بیان این مطلب که انسان به گاه خواندن دعا دارای صفای روح و توجه خاص است، یکی از مهم‌ترین راه‌های تهذیب نفس را «دعا» معرفی می کند و می افزاید: «دریای پرموج دعا، که به دریاهای موج خیز معارف ناب توحیدی و اخلاقی قرآن متصل است، با زمانی سرشار از پیام و تعلیم در جهت تربیت عالی انسانی و تعالی سرشار معنوی فردی و اجتماعی و تزکیه نفوس و تقویت ارواح و نشر معارف قرآنی و پیوست، کائنات هستی و گسترش وجود انسان، و در نهایت بیان گر آرمان‌های روحی و معنوی و برنامه‌های اخلاقی و عملی و روی آوردن به همه جوانب حیات انسانی است، به‌ویژه صحیفه مبارک امام زین‌العابدین(ع) با گونه‌گونی موضوعات و تعالی و تکامل اندیشه‌های نهفته در آن، طرحی کامل و فراگیر است برای پرداختن به ساختار معنوی انسان قرآنی و حرکت آن در مسیر حیات و دستیابی به زیستن خوش و پاکیزه (حیات طیبه) و بنای جامعه‌ای سرشار از عدل و قسط بر پایه آزادی و آزادگی، برادری و برابری و برپا داشتن نظام عدل الهی: (لِیَقוْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)».

این شارح صحیفه سجّادیه در ادامه ضمن تأکید بر این مطلب که اگرچه موضوع کلی صحیفه سجّادیه دعا و مناجات است، ولی

همه مباحث و مطالب آن بر محور دعا و تضرع و بیان حاجت و عرض مسئلت نیست، می‌افزاید: «بسیاری از دقایق دانش‌های نظری فلسفی، عرفانی، کلامی و هندسه معرفتی اسلام و احکام شرعی و مسائل حساس سیاسی و اجتماعی و تربیتی و اخلاقی در این اثر گران سنگ، در شکل و قواره و قالب ادبیات نیایشی «دعا» مطرح گشته است. حکمت گشته است. حکمت آن که این همه حقایق والا در صورت دعا بیان شده، این است که روزگار امامت امام چهارم حضرت علی بن الحسین(ع)، تاریک‌ترین روزگارهای ستم و بیداد و جور و استبداد است؛ روزگاری که جهان اسلام زیر نگیان آل ابوسفیان و فرزندان مروان بوده است». وی می نویسد: «صحیفه سجّادیه اگرچه شکل خطاب به خداوند و گفت‌وگوی با اوست و در قالب و ساختار اعلام نیازها و حاجت‌خواهی انسان از خدای تعالی است، لیکن یک متن مُتَقِن تدریس و تعلیم فلسفی و عرفانی و کلامی و اخلاقی و تربیتی است و به تعبیر جامع‌تر و ژرف‌تر، یک متن ناب دینی است؛ یعنی مجموعه‌ای انعکاس یافته از وحی محمدی [ص] است».

محمدتقی خلجی در مقدمه ترجمه صحیفه سجّادیه به بیان برخی از مباحث غیر شیعیان از این اثر ارزنده می پردازد: برای نمونه، این جوزی - دانش مند نامور اهل سنت - در کتاب خصائص الاثمه چنین می نویسد: «اگر علی زین‌العابدین(ع) و صحیفه او نبود، مسلمانان شیوه سخن گفتن و رویارویی با خداوند و رازگویی با پروردگار خویش و عرض حاجت به بارگاه ربوبی را نمی‌دانستند؛ او بود که شیوه گفتگو با آفریدگار بزرگ و شکوه بردن در سختی‌ها و گرفتاری‌ها به پیشگاه او را به ما آدمیان آموخت».

مترجم در پایان مقدمه ضمن اظهار امیدآوری بر این که سخن‌وران و نویسندگان دانشور شیعی از این پس به حقیقت و هویت و زبان دعا توجهی بایسته کنند و در این مقوله غنی معرفتی که سرشار از عناصر بالنده انسان ساز و جامعه‌ساز است، عالمانه بگویند و بنویسند و هم‌چنین مسلمانان در سرتاسر جهان اسلام با دعا در همه ابعاد معرفتی آن، به‌ویژه با آموزه‌های امام علی بن الحسین(ع) در صحیفه مبارک او آشنا تر شوند، وارد متن صحیفه سجّادیه می شود و به ترجمه آن می پردازد.

در ادامه، عبارات نخستین دعای یکم صحیفه سجّادیه و ترجمه پارسی آن را به خاصه این مترجم محترم در پی می آوریم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلِ كَان قِبَلَهُ وَالْآخِرِ بِلَا آخِرِ
يَكُونُ بَعْدَهُ (۱) الَّذِي قَصَّرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ
وَ عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ (۲) اِبْتَدَعَ بَقْدَرَتِهِ
الْخَلْقَ اِبْتِدَاعًا وَ اخْتَرَهُمْ عَلَي مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا (۳) ثُمَّ
سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ اِرَادَتِهِ وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ (۴)
لَا يَمْلِكُونَ تَاخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ وَ لَا يَسْتَطِيعُونَ تَقْدِمًا
إِلَيْهِ مَا آخَرَهُمْ عَنْهُ (۵)»

ترجمه محمدتقی خلجی:

«... خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَ ضَاعَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَّا بِكَ وَ أُجَذِبَ الْمُتَنَجِّعُونَ إِلَّا مَنْ انْتَجَعَ فَضْلَكَ (۱۳) بِأَيْكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ وَ جُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ وَ إِغَاتَتُكَ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَغِيثِينَ لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْآمِلُونَ وَ لَا يَيْئَسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ وَ لَا يَشْقَى نَقَمَتَكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ (۱۴) دَرْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَ حَلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ عَادَتُكَ الْإِحْسَانَ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَ سُنَّتُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ حَتَّى لَقَدْ عَزَّتْهُمْ أَنَا تَكَّ عَنْ الرُّجُوعِ وَ صَدَّاهُمْ إِمْهَالُكَ عَنِ النَّزْوَعِ وَ إِذَا تَأْتَيْتَ بِهِمْ لِيَفِيئُوا إِلَى أَمْرِكَ وَ أَمَهَلْتَهُمْ ثَقَّةً بَدَوَامَ مُلْكِكَ فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّجَادَةِ حَتَمَتْ لَهُ بِهَا وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ فَذَلَّتْهُ لَهَا (۱۵)»

ترجمه محمدتقی خلجی:

«آنان که جز بر تو وارد شدند، نومید گشتند؛ و آنان که جز بر تو را خواستند، خود را باختند؛ و آنان که جز بر تو فرود آمدند، تباه شدند، و آنان که جز از فضل تو طلب کردند، بی چیز شدند (۱۳) درگاه رحمت تو به روی مشتاقان باز، و سخای تو بر درخواست کنندگان رواست، و دادخواهی تو بر دادخواهان نزدیک است. آرزومندان از تو بی نصیب نگردند و بخشش خواهان از تو نومید نشدند و آموزش طلبان از عذاب تو شوربخت و تیره روز نگردند (۱۴) بساط رزق تو بر گناهکاران گسترده، و بردباری ات بر دشمنان آماده است. نیکی به بدکاران آیین توست، و شفقت و مهلت بر درازدستان و گستاخان راه و رسم تو، تا آن جا که تأخیر و درنگ تو آنان را فریفته و از خودداری از گناه واداشته و مهلت ورزی و شفقت تو آنان را از دل کندن از گناه بازداشته است: حال آنکه مدارای تو تنها برای آن است که به فرمان تو باز آیند. درنگ و مهرورزی از آن او است که پادشاهی ات همواره جاودانه است. برای همین آنچه که شایسته بختباری است کارش به فرخندگی پایادهی و آن که در خور شوربختی، در نهایت تیره بخت و خوار سازی. (۱۵)

نثر این ترجمه، نثری است هم وفادار به متن و هم سهل و روان و روزآمد و مترجم محترم نهایت تلاش خویش را در تحقق این مقصود به کار بسته است. البته با تمام این ها برخی سهواً القلمها خطاهای چاپی و در مواردی نادر اشتباهاتی در ترجمه دیده می شود که امید است در ویرایش جدید آن اصلاح شود.

«سپاس و ستایش، خدای راست که در «اولیت» بی آغاز و در «آخریت» بی انجام است (ازلی و ابدی است) (۱) خدایی که دیده های بینندگان از دید از [جمال] او فرومانده، و اندیشه ستایندهگان در وصف [کمال] و عاجز و ناتوان است (۲) جهانیان را به قدرت بی ماندش آفریده و موجودات را بر وفق مراد خویش جامه هستی پوشانده است، بدون الگو و نمونه ای که از آن اقتباس کرده باشد (۳) سپس آنان را به پیمودن راهی که خود می خواست واداشت و در راه رسیدن به محبت خویش برانگیخت (۴) در حالی که آفریده ها از جایگاه ویژه و مرتبه خویش قدم فراتر ننهادند و قدرت تجاوز از مرز معین هستی خود را ندارند (۵)».

«يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبَ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اخْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ (۱) وَ يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةَ مُلْكِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اعْتَقِي رِقَابَنَا مِنْ نَقَمَتِكَ وَ يَا مَنْ لَا تَفْنِي خَزَائِنَ رَحْمَتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ (۳) وَ يَا مَنْ تَنْقُطُ دُونَ رُؤْيَتِهِ الْأَبْصَارُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اذْبِنَا إِلَى قَرِيبِكَ (۴) وَ يَا مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ كَرِّمْنَا عَلَيْكَ (۵) وَ يَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تَقْضُحْنَا لَدَيْكَ (۶)»

ترجمه محمدتقی خلجی:

«ای که شگفتی های بزرگی اش پایان ناپذیر است، بر محمد و دودمانش درود فرست و ما را از بدکیشی و بدفهمی عظمت و شکوفت بازدار! (۱) وای آن که مدت پادشاهی اش نهایت ناپذیر است، بر محمد و دودمانش درود فرست و ما را از عذاب خویش برهان (۲) وای آن که گنجینه های رحمتش بی زوال است، بر محمد و دودمانش درود فرست و ما را نیز در رحمت خویش بهره ای بگذار (۳) وای که دیدگان از شهود جمالش فرو مانند، بر محمد و دودمانش درود فرست و ما را به جوار قرب خود نزدیک گردان (۴) وای که در ساخته آن گاه که بر تو در آییم، گرمی دار (۵) برای [خدایی] که نهان خبرها و رویدادها ترد او آشکار است، بر محمد و دودمانش درود فرست و ما را در پیشگاه خود رسوا مساز (۶)».